



فارابی

و روش‌های کاربردی تدریس تعلیمات اجتماعی

حسن نجفی و محمود امیدی

کارشناسان ارشد مطالعات برنامه‌داری

مقدمه

که هر پیشرفتی در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مستلزم داشتن افرادی متفکر، خلاق و منتقد است؛ افرادی که بتوانند تصمیمات درست اتخاذ کنند و برنامه‌ریزی صحیحی داشته باشند که این منوط به وجود آموزش و پرورش فعال و پویاست. پس به جرئت می‌توان گفت که هر پیشرفتی از نظام کارآمد و صحیح آموزش و پرورش جوامع نشئت می‌گیرد و این مهم به عوامل متعددی از روش‌های نوین تدریس بستگی دارد [علوی و اکبرزاده، ۱۳۸۸].

آشنایی با روش‌ها و فنون تدریس و به کارگیری آنان سبب می‌شود که هدف‌های آموزش و پرورش به آسانی و در زمانی کوتاه‌تر تحقق یابند (صفوی، ۱۳۶۹). شناخت روش‌های کلی تدریس، روش‌های اختصاصی هر درس، روان‌شناسی تربیتی، روان‌شناسی رشد، شیوه‌های جدید ارزشیابی، کاربرد مواد آموزشی و فنون کلاس‌داری، برای هر استادی لازم، بلکه واجب است تا بتواند وظیفه خطیری را که بر عهده گرفته است، به شایستگی انجام دهد. ناآشنایی با این علوم و فنون سبب می‌شود استاد نداند چه صدمات و لطامات جبران‌ناپذیری به روان دانش‌آموزان وارد می‌سازد. به‌ویژه اگر توجه کنیم که هر استادی در عین حال، مربی فراگیرندگانی است که در بهترین سال‌ها و مناسب‌ترین شرایط فکری و روانی، در اختیار او قرار گرفته‌اند و برای هر استادی ضرورت است که به تربیت و پرورش آنان بپردازد و برای زندگی سعادتمندانه و بنای جامعه‌ای مترقی آماده سازد. [سادات، ۱۳۷۰].

«تدریس» کانون هر برنامه‌داری است و در تمام دوره‌های آموزشی اعم از ابتدایی، متوسطه اول، متوسطه دوم و حتی آموزش عالی، رایج‌ترین روش مورد استفاده معلمان و استادان است. گروهی از اندیشمندان همچون دیویی، گیلبرت، آیزنر، جویس و ویل معتقدند که تدریس و یادگیری لازم و ملزوم یکدیگرند. به عبارت دیگر، زمانی می‌توان ادعا کرد تدریس انجام شده است که یادگیری تحقق یابد. تدریس فعالیتی است آگاهانه که بر اساس هدف خاصی انجام می‌گیرد و موجب تغییر فراگیرندگان می‌شود. تدریس امر ساده‌ای نیست. مدرس در تدریس با تغییرهای متفاوتی سر و کار دارد و سعی می‌کند با دستکاری و کنترل متغیرهای مختلف، وضعیتی به وجود آورد که یادگیری حاصل شود [شعبانی، ۱۳۸۵]. به اعتقاد اکثر اندیشمندان مسلمان، فارابی مبدع فلسفه اسلامی است (داوری اردکانی، ۱۳۷۷). از این‌رو بررسی روش‌های کاربردی تدریس او برای به کارگیری در درس‌های تعلیمات اجتماعی می‌تواند به بهبود فرایند یاددهی-یادگیری کمک شایانی کند.

کلیدواژه‌ها: روش‌های تدریس، تعلیمات اجتماعی، فارابی، روش‌برهانی، روش اقلانی

بیان مسئله

آرزوی دیرینه هر جامعه‌ای پیشرفت و تعالی افراد آن جامعه و داشتن شهروندانی فرهیخته و اندیشمند است و بدیهی است

ضرورت و اهمیت

به کارگیری روش‌های متنوع تدریس در اثربخشی آموزش و یادگیری دانش‌آموزان تأثیر بسزایی دارد. تدریس مؤثر در حالت کلی باعث علاقه‌مندی دانش‌آموزان به جریان یادگیری می‌شود. از این‌رو بررسی روش‌های کاربردی تدریس فارابی از این منظر اهمیت دارد که او یکی از اولین فیلسوفان و متعلمان اجتماعی مسلمانی بود که آرای ویژه‌ای برای خود ترسیم کرد. بنابراین روش‌های تدریس پیشنهادی او حتی می‌تواند زمینه‌ساز اجتماعی شدن دانش‌آموزان شود.

پیشینه پژوهشی

اسلامیان و کشتی آرای (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تبیین مؤلفه‌های برنامه درسی مبتنی بر دیدگاه‌های تربیتی افلاطون و فارابی» به این نتیجه دست یافتند که از نظر افلاطون و فارابی، معلم یکی از مؤلفه‌های اساسی هر نظام آموزشی است. از نظر افلاطون مهم‌ترین روش تدریس معلم روش گفت‌و شنود است و از سوی دیگر فارابی بر روش تدریس برهانی و اقناعی تأکید دارد.

ربانی، نوروزی و قادری (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «تحلیلی بر اندیشه‌های تربیتی فارابی و دورکیم»، ضمن تحلیل و مقایسه اندیشه‌های فارابی و دورکیم در زمینه تعلیم و تربیت، به این نتیجه دست یافتند که نگاه هر دو اندیشمند به مقوله تعلیم و تربیت، اجتماعی است و این امر باید زمینه‌ساز رشد و بالندگی افراد و به‌ویژه جامعه باشد.

میرزا محمدی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی آرا و اندیشه‌های تربیتی حکیم ابونصر فارابی» به این نتیجه دست یافت که مبنای اصلی تربیت فارابی دینی بوده و هدف تربیتی اصلی وی حرکت انسان به سوی خدا، و روش‌های تدریس مورد تأکید برهانی و اقناعی است.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر منابع و متون مرتبط با موضوع روش‌های اثربخش تدریس از دیدگاه فارابی گردآوری و در راستای سؤال پژوهش مورد بررسی واقع شده است. از این رو روش انجام پژوهش «تحلیل اسنادی» بوده است. در پژوهش اسنادی سعی می‌شود اسناد و مدارک موجود مرتبط با موضوع پژوهش به منظور پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش مورد استفاده قرار گیرد. [هومن، ۱۳۸۵].

یافته‌های پژوهش

پرسش: روش‌های کاربردی تدریس در آموزش تعلیمات اجتماعی با تأکید بر دیدگاه فارابی کدام‌اند؟

پاسخ:

۱. برهانی

منطق‌دانان برهان را چنین تعریف کرده‌اند: «قیاسی است

مربک از مقدمات یقینی که ذاتاً نتیجه یقینی به دست می‌دهد» [خوانساری، ۱۳۷۳]. فارابی علم را شناخت توأمان نموده‌ها، بوده‌ها و غایت پدیده‌های برهانی می‌داند. نموده‌ها، که اعم از افعال، روابط، رفتار و ساختارهای علمی هستند، بیشتر به توصیف، تحلیل و تبیین به شیوه استشهادهی، و تعلیل، نهان‌یابی، معناکاوی و تفهم به شیوه استدلالی نیاز دارند. وی شناسایی، تعیین و تعریف این عناصر، اجزای مفاهیم و ساختار آن‌ها و نیز کشف قانونمندی‌های حاکم بر روابط ضروری و عقلی این‌ها را، کار ویژه تحقیقات علمی برهانی می‌داند. فارابی این شیوه از آموزش را وظیفه رهبران آموزشی می‌داند که با علوم نظری و اجتماعی سر و کار دارند (فارابی، ۱۳۸۹).

۲. اقناعی

نظر فارابی بر آن است که علوم نظری همچون تعلیمات اجتماعی باید با روش‌های اقناعی آموخته شوند. افراد غالباً این علوم را از راه تفکر درک می‌کنند، زیرا پس از فهم بسیاری از اصول معلوم که مادی نیستند، به درک این علوم ناائل می‌شوند. اما مردم عادی فقط تصویر این علوم را از راه اقناعی در می‌یابند. معلم باید آنچه را که به یک امت خاص مربوط می‌شود و چگونگی تعلیم آن را به همه امت یا مردم یک مدینه مشخص سازد. همچنین باید آنچه را که تعلیم آن برای همه امت ضروری است و آنچه را که تنها باید به گروه خاصی از مردم مدینه یاد داد، بشناسد. این‌گونه تمایزها باید به مدد تخیل، شخص را به تحصیل علوم نظری قادر سازد [شریف، ۱۳۶۵].

۳. صعودی

هنگامی که معلمان تعلیمات اجتماعی با الهام گرفتن از علاقه‌ها، آمادگی‌ها و تجربیات شاگردان به تعمیم‌های کلی در موضوع درسی دست می‌یابند، در حقیقت از روش صعودی یا استقرایی در شیوه آموزشی خود بهره جسته‌اند. از نظر فارابی این طریق روشی است که از معلول (حسن) شروع و به علت (عقل) می‌رسد و در همه سطوح تحصیلی و موضوعات گوناگون انسانی و اجتماعی کاربرد دارد. معلم آغازگر فعالیت است و جوی دوستانه بین او و شاگردان وجود دارد. این روش سبب افزایش آگاهی‌های فردی، رشد خود کنترلی دانش‌آموزان، بهبود ظرفیت تفکر، گردآوری، سازمان‌دهی و کنترل اطلاعات، و نام‌گذاری مفاهیم می‌شود. [جابری مقدم، ۱۳۸۲].

۴. نزولی

زمانی که معلمان موضوعات درسی تعلیمات اجتماعی را از نظر چگونگی سازمان‌دهی موضوع و چارچوب منطقی آن به شاگردان ارائه می‌دهند و یا به عبارت دیگر از کل به جزء می‌رسند، در واقع از روش نزولی یا قیاسی استفاده کرده‌اند. از نظر فارابی این روش که از علت (مبدأ فیض) شروع و به معلول (عالم خاکی) می‌رسد، باعث می‌شود یادگیری زودتر صورت پذیرد و دانش فرا گرفته شده،

دیرتر فراموش شود. وی از این روش در مابعدالطبیعه و نظریه نبوت استفاده کرده است [میرزا محمدی، ۱۳۸۴].

۵. مباحثه

فارابی در تعریف این روش بیان می‌دارد که: «ترغیب و برانگیختن شاگرد نسبت به آنچه ذهن و فکر او را اقناع می‌کند، بدون اینکه بخواهد به یقین برسد». او معتقد است که هیچ ابزاری به اندازه قدرت بیان در خدمت بشر نبوده است. مباحثه و گفت‌وگوی برهانی و استدلالی شاگردان را دریافت بعضی مطالب و مسائلی که از پیش نمی‌دانستند، راهنمایی می‌کند. معلم می‌تواند با طرح موضوع در کلاس درس تعلیمات اجتماعی، آن را به بحث بگذارد تا شاگردان محتوا را با همدیگر یاد بگیرند و به کمک و با هم‌فکری یکدیگر، به عمق مطالب پی ببرند و حالت خمودی آموزش به جنب‌وجوش تبدیل شود [داغ و رشید اویمن، ۱۳۷۴].

۶. تشبیه معقول به محسوس

به نظر فارابی تمثیل روشی است که در آن همانندی و تشابه میان دو چیز مورد نظر است. با تمثیل و ویژگی یک شیء شناخته شده، به شناخت شیء دیگری می‌پردازیم. به عبارت دیگر، تمثیل شیوه‌ای است که مربی برای رساندن آرا و افکار معقول خویش به دانش‌آموز یا گروه مورد نظر، سخن خود را در پرده کنایه معرفی می‌کند. بدین صورت دانش‌آموز خود را با مخاطب هم‌ردیف و مشترک می‌پندارد، به تفکری عمیق فرو می‌رود، ارزش‌های نهفته در تمثیل را فرا می‌گیرد و از ضد ارزش‌ها دوری می‌جوید [موسوی کاشمری، ۱۳۸۶]. فارابی معتقد است که مواد اولیه علم در محسوسات از طریق حس حاصل می‌شوند. بعد از احساس در مرحله بعدی برای عملیات فکر و پردازش علمی این صورت‌های حسی در خیال جای داده می‌شوند. سپس عقل به‌عنوان ابزار اندیشه‌ورزی کار روی مواد اولیه احساسات را آغاز می‌کند. عقل هنگام حکم کردن درباره آن تنها به حس اکتفا نمی‌کند، زیرا اگر چنین بود، برای او اصلاً یقینی حاصل نمی‌شد. حس به تنهایی این امکان را ندارد که درباره شیء یا درباره کلیت آن حکم یقینی صادر کند، چون کسب یقین عمل خاص عقل است. استفاده از این روش در فرایند تدریس تعلیمات اجتماعی به علت وجود جذبه‌های خاص، سادگی بیان و آشنا بودن با مخاطب می‌تواند توجه دانش‌آموزان را به خود جلب کند و به معلمان در واکاوی مفاهیم اجتماعی یاری رساند [رحیمی، ۱۳۹۰].

۷. حفظ و تکرار

یکی دیگر از روش‌هایی که فارابی به آن می‌پردازد، روش حفظ و تکرار است که سبب می‌شود فرد به فهم مطلب نائل آید. به نظر او، فضایل اخلاقی، مهارت نوشتن، هنر و صنایع از طریق تکرار و عادت به‌دست می‌آیند و در ذهن افراد ملکه می‌شوند. فارابی حفظ را شامل دو سطح می‌داند: اول حفظ کلمات و عباراتی که شنونده آن قدر تکرار می‌کند تا آن‌ها را حفظ کند؛ مانند زبان‌آموزی، آموزش

قرآن و آواز. دوم حفظ معنای کلمات و عبارات به صورتی که در روان شاگردان نقش ببندد. وی برای فهم مطالب ارزش فراوان قائل و معتقد است، فهم مطالب از حفظ آن بهتر است، زیرا حفظ کردن و به خاطر سپردن بیشتر با لغات و عبارات و جزئیات سر و کار دارد که فایده چندانی ندارد. در حالی که فهم با معنا، کلیات و قوانین سر و کار دارد، بسیار مثمرتر است و موجب شکوفایی استعدادها و به فعلیت درآوردن توانایی‌های اجتماعی می‌شود [میرزا محمدی، ۱۳۸۴].

۸. مشاهده

به‌نظر فارابی گام نخست در آموزش علوم اجتماعی، استفاده از نام درستی است که معرف پدیده‌ها باشد. سپس باید پدیده و اجزای مختلف و اوصاف آن را به تفصیل بیان داشت و با استفاده از رسم تصویر و شکل هندسی، روی کاغذ به اوصاف آن پرداخت. این کار تخیل شاگردان را برمی‌انگیزد، و فهم مطالب را آسان می‌کند، و معنا و مفاهیم آموزشی را سریع‌تر و صریح‌تر انتقال می‌دهد. [فارابی، ۱۳۷۷].

۹. ماریچی

اگرچه این روش در درجه نخست با نام «برونر»^۱ (۱۹۷۸)، روان‌شناس آمریکایی، گره خورده است، اما در آن شباهت‌های شگفت‌انگیزی با نظریات آموزشی فارابی به چشم می‌خورد. فارابی در تبیین این روش بیان می‌دارد که یک موضوع واحد درسی به گونه‌ای سامان می‌یابد که شاگرد در طول تحصیل خویش بارها به آن برمی‌خورد و هر بار بر درجه دشواری آن افزوده می‌شود. خاصیت این پیش‌روندگی آن است که دانش‌آموز از موضوع مورد تدریس درک بهتری پیدا می‌کند، همواره از فهمی جدید به فهمی جدیدتر نائل می‌آید، و در نتیجه مفاهیم و موضوعات اجتماعی ملکه ذهن او می‌شوند [میرلوحی، ۱۳۸۰].

۱۰. ایفای نقش

از نظر فارابی در روش ایفای نقش، ضمن آنکه شاگرد در شناخت و درک دیگران تجربه‌هایی می‌اندوزد، حالت خودمحوری او نیز رو به نقصان می‌رود. بنابراین معلم باید براساس هدف، سن و توان شاگرد موضوع را انتخاب کند و با مهارت لازم، شاگردان را جهت ایفای نقش آماده سازد و خود هدایت‌کننده آن‌ها باشد تا شاگردان از طریق مشاهده یا ایفای نقش، مطالب و مفاهیم نهفته در نقش را فراگیرند و از آن‌ها در زندگی جاری خویش استفاده کنند [علوی و حاج غلامرضایی، ۱۳۹۱].

۱۱. پلکانی

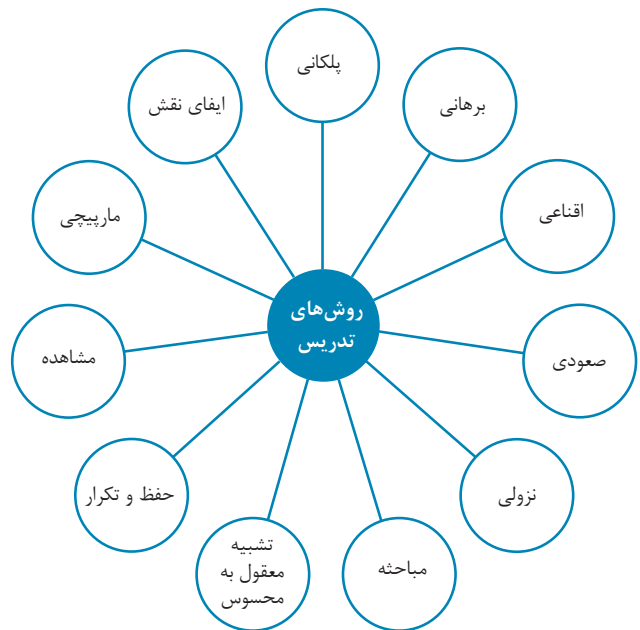
در این روش، معلم باید ضمن در نظر گرفتن توانایی عقلی و استعدادهای شاگردان در درک موضوعات و مسائل علمی، آموزش خود را از مسائل ساده و نزدیک به ذهن شاگردان آغاز

کند و کم کم به مسائل دشوارتر یا سطح عالی تر مباحث بپردازد. به عبارت دیگر، به دلیل اندک بودن استعداد شاگردان در ابتدای تحصیل، معلم باید با طرح مثال های حسی ذهن شاگردان را آماده سازد تا به مباحث علوم اجتماعی احاطه پیدا کنند [بهشتی، فقیهی و ابوجعفری، ۱۳۸۶].

نتیجه گیری

امروزه به کارگیری روش های نوین و متنوع تدریس در هر محیط آموزشی، به ویژه کلاس های تعلیمات اجتماعی پیش از پیش ضروری به نظر می رسد. فارابی از جمله دانشمندان و فیلسوفان مسلمان است که در زمینه تعلیم و تربیت و همچنین به کارگیری روش های گوناگون تدریس مباحثی را بیان می کند. در این پژوهش سعی ما بر آن بود که تعدادی از روش های تدریس پیشنهادی حکیم فارابی را که برای به کارگیری در کلاس های تعلیمات اجتماعی مناسب هستند، تشریح کنیم (نمودار ۱).

نمودار ۱. روش های کاربردی تدریس در آموزش تعلیمات اجتماعی



شایان ذکر است که نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش های اسلامیان و کشتی آرای (۱۳۹۳)، میرزا محمدی (۱۳۹۲) و میرزا محمدی (۱۳۸۴) در یک راستا قرار دارند. در پایان براساس آنچه در این مقاله گفته شد، چند پیشنهاد برای تدریس بهتر در کلاس های تعلیمات اجتماعی ارائه می شود:

الف) افزایش دانش و کسب آگاهی معلمان تعلیمات اجتماعی از روش های متنوع تدریس برای اثربخشی هر چه بهتر تدریس و فرایند یادگیری.

ب) انتخاب و استفاده از روش های متنوع تدریس با توجه به ظرفیت و امکانات سخت افزاری و نرم افزاری کلاس درس تعلیمات

اجتماعی و همچنین ویژگی فراگیرندگان. ب) برگزاری کلاس ضمن خدمت و برپایی کارگاه هایی در رابطه با روش های تدریس تعلیمات اجتماعی برگرفته از نظام تربیتی فارابی.

پی نوشت

1. Bruner

منابع

۱. اسلامیان، مرضیه و کشتی آرای، نرگس (۱۳۹۳). «تبیین مؤلفه های برنامه درسی مبتنی بر دیدگاه های تربیتی افلاطون و فارابی». **فصل نامه پژوهش در برنامه ریزی**. شماره ۴۰.
۲. بهشتی، محمد؛ فقیهی، علی نقی؛ ابوجعفری، مهدی (۱۳۸۶). **آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت (ج ۴)** سمت. تهران.
۳. جابری مقدم، علی اکبر (۱۳۸۲). «فلسفه تربیتی فارابی». پایان نامه دوره دکترا. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
۴. خوانساری، محمد (۱۳۷۳). **منطق صوری (ج ۲)**. آگاه. تهران.
۵. داغ، محمد؛ و رشید اویم، حفظ الرحمن (۱۳۷۴). **تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام**. ترجمه، علی اصغر کوشا، دانشگاه تبریز.
۶. داری اردکانی، رضا (۱۳۷۷). **فارابی مؤسس فلسفه اسلامی**. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران.
۷. ربانی، رسول؛ نوروزی، رضاعلی؛ قادری، مهدی (۱۳۸۷). «تحلیلی بر اندیشه های تربیتی فارابی و دورکیم». **فصل نامه مصباح**. شماره ۷۸.
۸. رحیمی، سلمانعلی (۱۳۹۰). «روش شناسی فارابی و هابرماس». **فصل نامه معرفت فرهنگی اجتماعی**. شماره ۲.
۹. سادات، محمدعلی (۱۳۷۰). **راهنمای معلم ویژه معلمان دینی**. وزارت آموزش و پرورش. تهران.
۱۰. شریف، میرمحمد (۱۳۶۵). **تاریخ فلسفه در اسلام (ج ۱)**. ترجمه گروه مترجمان. مرکز نشر دانشگاهی، مجتمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی. تهران.
۱۱. شعبانی، حسن (۱۳۸۵). **مهارت های آموزشی و پرورشی (روش ها و فنون تدریس) (ج ۱)**. سمت. تهران.
۱۲. صفوی، امان الله (۱۳۸۷). **کلیات روش ها و فنون تدریس**. معاصر. تهران.
۱۳. علوی، حمیدرضا و حاج غلامرضایی، مهناز (۱۳۹۱). **روش شناسی آموزش ارزش های اخلاقی و دینی**. **دو فصل نامه اسلام و پژوهش های تربیتی**. شماره ۲.
۱۴. علوی، حمیدرضا و اکبرزاده، زهره (۱۳۸۸). «بررسی روش های تدریس و ارزشیابی معلمان دروس دینی و نگارش و رفتار دینی دانش آموزان دبیرستان های دخترانه ناحیه ۲ شهر کرمان». **دو فصل نامه اسلام و پژوهش های تربیتی**. شماره ۱.
۱۵. فارابی، ابونصر (۱۳۸۹). **احشاء العلوم**. ترجمه حسین خدیو جم، انتشارات علمی و فرهنگی. تهران.
۱۶. _____ (۱۳۷۷). **الالفاظ المستعملة فی المنطق**. ترجمه و شرح حسن ملک شاهی. سروش. تهران.
۱۷. موسوی کاشمیری، مهدی (۱۳۸۶). **روش های تربیت**. بوستان کتاب. قم.
۱۸. میرزا محمدی، محمدحسن (۱۳۸۴). **فارابی و تعلیم و تربیت**. بسترپرون. تهران.
۱۹. _____ (۱۳۸۴). **بررسی آرا و اندیشه های تربیتی حکیم ابونصر فارابی**. **مجله علوم انسانی دانشگاه تبریز**. شماره ۵۷.
۲۰. میرلوحی، سید حسین (۱۳۸۰). «آموزش ماریچی از دیدگاه برونر و ابن خلدون». **فصل نامه تعلیم و تربیت**. شماره ۶۵.
۲۱. هومن، حیدرعلی (۱۳۸۵). **راهنمای عملی پژوهش کیفی**. سمت. تهران.